

• فصل اول: سوالات حقوق مدنی

۱- از نظر حقوقی عبارت است از وصف و شایستگی فرد برای اینکه دارای حق و تکلیف باشد.

(۱) شخصیت (۲) شخص (۳) اهلیت (۴) استیفا

◀ **ه: گزینه ۴** ⇐ شخصیت از نظر حقوقی عبارت است از وصف و شایستگی فرد برای اینکه دارای حق و تکلیف باشد.

۲- منظور از اهلیت استیفاء چیست؟

(۱) توانایی و شایستگی قانونی شایستگی شخص برای دارا شدن حق

(۲) توانایی و شایستگی قانونی شایستگی شخص برای اجرای حق

(۳) مجموع حقوق و تکالیف مالی شخص

(۴) وجود و رعایت شرایط عمومی صحت معاملات

◀ **ه: گزینه ۲** ⇐ اهلیت: اهلیت به دو مورد تقسیم میشود؛ اهلیت تمتع آن، که تعریف توانایی و شایستگی قانونی شخص برای دارا شدن حق است و اهلیت استیفاء، توانایی و شایستگی قانونی شخص برای اجرای حق است. اهلیت نتیجه وضعیت است.

۳- اگر دو نفری که از همدیگر ارث میبرند در اثر غرق یا هدم فوت کنند و تقدم و تاخر فوت هیچکدام از آنها مشخص نباشد

کدامیک از آنها از دیگری ارث می برد؟

(۱) نفری که از نظر سنی کوچکتر است از نفر بزرگتر ارث می برد.

(۲) هیچکدام از یکدیگر ارث نمی برند.

(۳) هر دو از یکدیگر ارث می برند.

(۴) بر اساس قرعه کشی یکی از آنها از دیگری ارث می برد.

◀ **ه: گزینه ۳** ⇐ تعیین ورثه: چون طبق ماده ۸۷ ق.م (شرط وراثت، زنده بودن وارث در حین فوت مورث است) لذا فقط کسانی از شخص مفقود الاثر ارث میبرند که در تاریخی که از سوی دادگاه برای موت فرضی مشخص میشود زنده باشند.

تذکر: در این مسئله یک استثنایی وجود دارد که از حدیثی از امام صادق (ع) گرفته شده است و آن این است که: اگر دو نفری که از همدیگر ارث میبرند فوت کنند و تقدم و تاخر فوت هیچکدام از آنها مشخص نباشد علی القاعده هیچکدام از دیگری ارث نمیبرند مگر اینکه فوت در نتیجه غرق یا هدم باشد که در این صورت هر دو از همدیگر ارث میبرند.

- حداقل زمان برای صدور حکم موت فرضی چند سال است؟

(۱) سه سال (۲) چهار سال (۳) چهار سال و دو ماه (۴) ده سال

◀ **ه: گزینه ۳** ⇐ حداقل زمان برای صدور حکم موت فرضی چهار سال و دو ماه است.

سه سال: حداقل زمان برای تقاضای حکم موت فرضی چهار سال و دو

ماه: حداقل زمان برای صدور حکم موت فرضی

ده سال: حداکثر زمان برای تقاضای حکم موت فرضی یازده سال و دو

ماه: حداکثر زمان برای صدور حکم موت فرضی

- هرگاه شخصی تمام غایب مفقودالاثر باشد زن او میتواند تقاضای طلاق کند.

(۱) سال (۲) ۲ سال (۳) ۳ سال (۴) ۴ سال

ه: گزینه ۴

ماده ۲۹- قانون مدنی گفته: «هرگاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقودالاثر باشد زن او میتواند تقاضای طلاق کند» در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳، حاکم، او را طلاق میدهد. در این صورت، دادگاه، در یکی از جراید محل و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار تهران اعلانی (آگهی ای) در سه دفعه متوالی هر کدام به فاصله یک ماه منتشر کرده و اشخاصی را که ممکن است از غایب خبری داشته باشند دعوت مینماید که اگر خبر دارند به اطلاع محکمه برسانند. هرگاه یک سال از تاریخ اولین آگهی بگذرد و حیات غایب ثابت نشود یا به عبارت بهتر خبری از غایب نرسد، دادگاه، حکم به طلاق خواهد داد.

- اقامتگاه زن ناشزه کجاست؟

(۱) همان مرکز مهم امور اوست. (۲) همان اقامتگاه شوهر اوست.

(۳) محل زندگی پدرش است. (۴) ۲ و ۴

ه: گزینه ۴

دو نظر در مورد اقامتگاه زن ناشزه وجود دارد: اول) آنکه اقامتگاه وی همان مرکز مهم امور اوست و طبق اصل (قاعده) اقامتگاه او تعیین میشود. دوم) آنکه چون نشوز نافرمانی و انجام ندادن وظیفه بر خلاف قانون است، نباید از نظر تغییر اقامتگاه قانونی مؤثر باشد لذا اقامتگاه قانونی زن ناشزه همان اقامتگاه شوهر اوست (البته موضوع، اختلافی است و این نظر در «کتاب اشخاص و محجورین» دکتر صفایی آمده است) سوم) اقامتگاه زن قبل از رفتن به خانه شوهر: علی القاعده چون اصل بر این است که اقامتگاه هر شخص محل و مرکز مهم امور اوست و با توجه به اینکه زن با رضایت شوهر در خانه پدر خود زندگی می کند و عرف و عادت نیز این را تأیید میکند لذا میتوان گفت که اقامتگاه وی محل زندگی پدرش است.

۷- کدامیک از گزینه های زیر اشتباه است؟

(۱) غیر رشید کسی است که پس از رسیدن به سن بلوغ، رشد کافی را به دست نیاورده یا پس از تحصیل رشد، آن را از دست داده است. (۲) صغیر ممیز به فردی گفته میشود که هنوز به سن بلوغ نرسیده ولی تا حدی قدرت درک و تشخیص و تمیز سود و زیان در معاملات را بدست آورده است.

(۳) هر غیر ممیزی غیر رشید نیست.

(۴) هی ممیزی پیش از بلوغ رشید محسوب نمیشود.

ه: گزینه ۳ ← شخص غیر رشید با صغیر ممیز یک تفاوت عمده دارد و آن اینکه، غیر رشید کسی

است که پس از رسیدن به سن بلوغ، رشد کافی را به دست نیاورده یا پس از تحصیل رشد، آن را از دست داده است در صورتی که صغیر ممیز به فردی گفته میشود که هنوز به سن بلوغ نرسیده ولی تا حدی قدرت درک و تشخیص و تمیز سود و زیان در معاملات را بدست آورده است (پس هر غیر ممیزی، غیر رشید هم هست ولی هی ممیزی پیش از بلوغ رشید محسوب نمیشود. رابطه عموم و خصوص مطلق دارند.

۸- کدام گزینه ولی قهری به حساب نمی آید؟

(۱) پدر (۲) پدر بزرگ (۳) جد پدری (۴) مادر

ه: گزینه ۴ ← نکته: ولی قهری در اصطلاح حقوقی، به پدر و پدری جد طفل صغیر اطلاق میشود.

این دو به طور موازی بر طفل ولایت دارند و هیچکدام از نظر قانونی بر دیگری تقدم ندارند. البته در عرف (نه در حقوق)، ولایت پدر مقدم بر ولایت جد پدری دانسته میشود و معمولاً تا زمانی که پدر در قید حیات است، جد پدری هی دخالتی در امور مولی علیه نمیکند. نکته: ولایت متضمن اختیار ولی قهری برای دخالت و تصرف در امور مالی و حقوقی مولی علیه است. به عبارت دیگر، ولی قهری نماینده قانونی مولی علیه خود در خصوص امور مالی و حقوقی او محسوب می شود و میتواند به جای او در اموالش تصرف کند، آنها را مورد معامله قرار دهد، به جای او قرارداد منعقد کند یا طرح دعوا و شکایت کند یا به

دعای مطروحه علیه او پاسخ دهد.

۹- همه موارد زیر از شرایط و اوصاف قیم می باشند غیر از

(۱) امانت (۲) بلوغ و رشد (۳) اسلام (۴) دینداری

ه: گزینه ۴ ← شرایط و اوصاف قیم: برای کسی که میخواهد به سمت قیمومت منصوب شود

قانونگذار شرایطی را در نظر گرفته است که در ذیل ذکر میگردد.

۱- توانایی: که توانایی جسمی و قدرت انجام دادن اعمال حقوقی و داشتن مدیریت و درایت را در بر میگیرد.

۲- امانت: این شرط، مهمترین صفتی است که قیم باید از هنگام نصب به این سمت و تا پایان مدت تصدی خود دارا باشد (یعنی هم در ابتدا این شرط باید وجود داشته باشد و هم استمراراً) ۳- بلوغ و رشد: زیرا قیم برای اینکه بتواند در امور مالی و غیر مالی خود تصرف کند باید هم بال باشد و هم رشید و ماده ۲۳

ق. م در این باره اشعار میدارد: کسی که خود تحت ولایت یا قیمومت است نمیتواند به سمت قیمومت تعیین گردد.

- اسلام: هر چند این شرط مسلم صریحاً در قانون مدنی پیشبینی نشده است اما قانون مدنی در ماده ۹۲ خود بیان می دارد: «ولی نمیتواند برای مولی علیه خود وصی غیر مسلم پیدا کند

۱۰- کدام گزینه در تعیین اجرت قیم موثر است؟

(۱) کیفیت و کمیت کار قیّم در اداره اموال و مواظبت شخص محجور.

(۲) وضع محلی که اقامتگاه محجور در آنجا واقع است و امور قیمومت در آنجا انجام میگیرد.

(۳) درآمد محجور.

(۴) همه موارد

◀ **ه: گزینه ۴** ⇐ قیّم میتواند برای انجام امور راجع به قیمومت اجرت مناسب و متعارفی را با نظر

دادستان از اموال محجور برداشت کند. در تعیین اجرت قیّم سه عامل را باید مورد توجه باشد:

کیفیت و کمیت کار قیّم در اداره اموال و مواظبت شخص محجور.

۲. وضع محلی که اقامتگاه محجور در آنجا واقع است و امور قیمومت در آنجا انجام میگیرد.

۳. درآمد محجور.

۱۱- طبق ماده ۸ قانون امور حسبی هرگاه طلاق زوجه مجنون لازم باشد به پیشنهاد و تصویب قیّم طلاق می دهد.

(۲) دادگاه - دادستان

(۱) دادستان - دادگاه

(۴) زوجه - دادستان

(۳) قیّم - دادگاه

◀ **ه: گزینه ۱** ⇐ طبق ماده ۸ قانون امور حسبی هرگاه طلاق زوجه مجنون لازم باشد به پیشنهاد

دادستان و تصویب دادگاه قیّم طلاق می دهد.

۱۲- انعزال قیّم در چه صورتی ر می دهد؟

(۱) اگر قیّم در نگهداری و استفاده از اموال محجور تعدی و تفریط نماید.

(۲) اگر قیّم یکی از صفات خود را از دست بدهد.

(۳) اگر قیّم محجور شود.

(۴) هرگاه قیّم هر یک از اعمال حقوقی که ممنوع بودند را انجام دهد.

◀ **ه: گزینه ۳** ⇐ ۱ - امانی بودن ید قیّم و زوال امانت : که اگر قیّم در نگهداری و استفاده از اموال محجور تعدی و تفریط نماید ید امانی او به

ید ضمانی تبدیل میگردد و احکام غاصب بر او بار میگردد.

۲- عزل قیّم: که طبق ماده ۸ ق. م اگر قیّم یکی از صفات خود را از دست بدهد (به حکم دادگاه) عزل میشود ۳- انعزال قیّم:

اگر قیّم محجور شود نمیتواند در این سمت باقی بماند و خودبخود منعزل میشود.

- بطلان یا عدم نفوذ اعمال حقوقی قیّم: هرگاه قیّم هر یک از اعمال حقوقی که [قبلا ذکر شد و ممنوع بودند را انجام دهد باطل خواهد بود

و یا اگر معاملاتی که نیاز به اخذ اجازه از مقامات قضایی را دارد بدون اخذ اجازه منعقد کند، معاملات مذکور غیر نافذ خواهند بود.

۱۳- کدام گزینه در مورد ا بات و بوت نادرست است؟

(۱) عالم اثبات یعنی آنچه در عالم ثبوت است نزد قاضی مطرح شود تا او پی به عالم ثبوت ببرد.

۲) ثبوت همیشه قابل اثبات است.

۳) حقوق مدنی کلاً ثبوت است.

۴) آیین دادرسی مدنی کلاً عالم اثبات است.

ه: گزینه ۲ ← ثبوت: یعنی هر آنچه واقع وجود دارد.. مثلاً برای رأی دادن فقط ثبوت کافی نیست

بلکه باید حق خود را اثبات کنیم.

اثبات: عالم اثبات یعنی آنچه در عالم ثبوت است نزد قاضی مطرح شود تا او پی به عالم ثبوت ببرد. البته ثبوت همیشه قابل اثبات نیست.

حقوق مدنی کلاً ثبوت است و آیین دادرسی مدنی کلاً عالم اثبات است.

۱- کامل ترین حق عینی چیست؟

۱) مالکیت ۲) انتفاع ۳) ارتفاق ۴) تحجیر

ه: گزینه ۱ ← مالکیت کامل ترین حق عینی است؛ به عبارت دیگر، تنها حقی که کامل است مالکیت

است؛ یعنی مالک طبق ماده ۳۰ ق.م.هرکاری میتواند در ملک خود انجام دهد. مالکیت به دو شکل است: (عین) مثل تمام

اشیاء؛ ۲- منفعت یعنی فایده عین، هر عینی فایده‌ای دارد.

۱- کدامیک از اسباب ایجاد مالکیت نمی باشد؟

۱) احیای اراضی موات و حيازت اشيا مباحه ۲) اخذ به شفعه

۳) وثاقت ۴) تحجیر

ه: گزینه ۳ ← اسباب ایجاد مالکیت:

۱. احیای اراضی موات و حيازت اشيا مباحه: مراد از احیاء یعنی به وسیله عملیاتی که در عرف آباد کردن باشد قابل استفاده شود؛ البته طبق

قانون زمین شهری بخش عمده ای از احکام قانون مدنی در زمینه احیای زمین تخصیص زده شده است.

۲. عقد ۳. اخذ به شفعه . ارث . تحجیر

۱- زمینی است که بوسیله شخصی از اشخاص آباد شده است و در وضعیت آبادانی باقی مانده است.

۱) دایر ۲) بایر ۳) موات ۴) آباد

ه: گزینه ۱ ← در گذشته زمین به قسم (دایر، بایر، موات) تقسیم می شد:

۱ - دایر: زمینی است که بوسیله شخصی از اشخاص آباد شده است و در وضعیت آبادانی باقی مانده است.

۲- بایر: شخص آن را آباد کرده ولی به علت عدم حفاظت و مراقبت و در معرض خرابی است.

۳- موات: زمینی که اصلاً روی آبادانی به خود ندیده است. طبق حکم فقهی زمین موات، مباح محسوب می شود و هرکس با آبادانی می تواند

آن را تملک کند که البته قانون زمین شهری در این مورد تخصیص خورده است.

۱۷- «زمین بیا» در تعاریف حقوق چه زمینی است؟

۱) زمین خالی که روی آن هی چیز نیست.